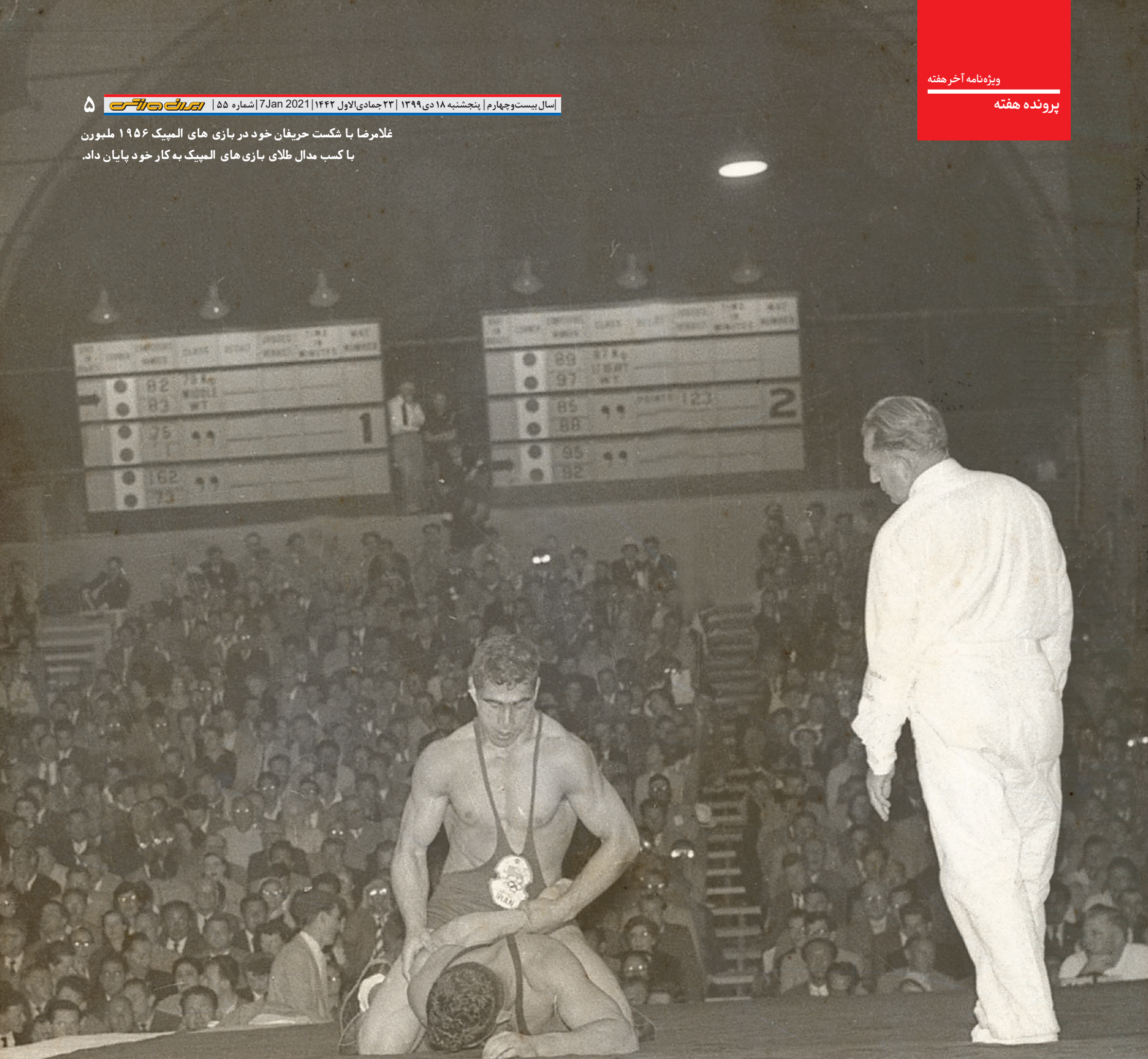


غلامرضا با شکست حریفان خود در بازی های المپیک ۱۹۵۶ ملبورن
با کسب مدال طلای بازی های المپیک به کار خود پایان داد.



مرد آخر، لیلای آخر نون خامه‌ای آخر

تفتیشی رمانتیک از زندگی تختی در چهار حوزه زن، رفیق، مذهب و همگورهایش...

شعار داغ و مراسم لبریز از خودشیفتگی و فاقد رویکرد کاربرد. چنین است که امسال نیز بزرگداشت او را در قالب چهار شناختنامه درباره نگاه او به زن، مرگ، رفیق و مذهب پی می‌گیریم. فصل پنجم این پرونده البته بر این مبنا شکل گرفت که غلامرضا تختی اگر زنده بود در این بحران کرونا و شبکه‌های اجتماعی و شکاف‌های اقتصادی چه می‌کرد. همین و همین فقط.

روکنی ۱۲ سند در مورد خودکشی اش نشان می‌دهم! آدمی چنین پیچیده و بی‌زمان که دیگر وارد میتولوژی مدرن ایرانی شده است فقط یک دلخوشی دلخوشکنک است که اینجور وقت‌ها ۱۷ دی‌ها دور سرش بگردیم و کمبودهایمان را در غیبت او معنی کنیم و با این همه، نتوانیم برای ورزشمان مانیفستی از مرام‌های انسانی و شرقی او تدارک ببینیم. تختی حالا دیگر برای ما یک اسباب‌بازی زمستانی است. با صدها

حالا دیگر ۱۷ دی‌ها برای ما نه مراسم آئینی که یک سرگرمی تاریخی قلمداد می‌شود. مراسمی برای یک آدم بی‌تکرار در عصری غیرقابل تکرار به منزله نوعی داشته اخلاقی. چنین است که وقتی در فیلم تختی، صحنه بلخی خودکشی او را می‌بینم در دلم خطاب به کارگردان اثر می‌گویم اگر ده سند درباره انتحار او نشان دهی من ۱۱ سند درباره قتل او برایت رومی‌کنم و جالب تر اینکه اگر ۱۱ سند درباره کشته شدن او



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

